

بهمن احمدی امویی: نمونه بارزی از یک زندانی عقیدتی در ایران

پیر و انری (بلژیک)

برگردان: انور میرستاری*

در حقیقت او یک روزنامه نگار متخصص و منتقد در بخش اقتصاد و سیاست های اقتصادی احمدی نژاد در زمینه هایی است که در آن نهادهای شبه نظامی سپاه پاسداران، ارتش ایدئولوژیک رژیم که احمدی نژاد هم از میان آنان برخاسته است. سپاه پاسداران قدرت خیلی زیادی در بخش های کلیدی اقتصاد ایران داشته، به ویژه برای خود، دارای مناطق و بنادر آزاد می باشد و سودهای کلانی بطور مستقیم وارد جیبهای این مؤسسه می شود.

پایان ماه رمضان در ماه اوت، فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران بود تا آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی را اعلام کند و به چند نفر دیگر نیز تخفیف هایی در مجازات آنان اعطا نماید. در حقیقت میزان بخشودگی اعلام شده به مناسبت ماه تقوای مسلمانان و عید فطر، بسیار خرد و ناچیز است. در واقع، بیش از چند روز از محکومیت تعدادی از این زندانیان آزاد شده، باقی نمانده بود و حتی محکومیت برخی دیگر از آنان خیلی پیش از آن به پایان رسیده بود. در هر صورت، این زندانیان به هیچ وجه به « بخشودگی » خود اعتقادی ندارند و میگویند که بهای کاری را که نکرده بودند « پرداخت » کرده اند و گناهشان جز داشتن اندیشه و مرام نبود.

با این حال، بخت یار همه زندانیان نبود. در میان انبوهی از زندانیان سیاسی و عقیدتی که هم چنان در پشت میله ها باقی مانده اند، می توان از یک زندانی بسیار مشهوری نام برد: بهمین احمدی عمویی.

درست سه روز پس از ماجرای انتخابات بحث انگیز و جنجالی احمدی نژاد در ژوئن ۲۰۰۹، بهمین احمدی امویی بازداشت شد و به پنج سال و چهار ماه زندان به همراه شکنجه بدنی محکوم شد. اتهام خیلی واهی و همیشگی "تبلیغ علیه نظام" از دلایل این محکومیت سنگین می باشد، در حالی که او کاری به جز شغل روزنامه نگاری خود در رسانه های قانونی و به رسمیت شناخته شده، انجام نداده است.

در حقیقت او یک روزنامه نگار متخصص و منتقد در بخش اقتصاد و سیاست های اقتصادی احمدی نژاد در زمینه هایی است که در آن نهادهای شبه نظامی سپاه پاسداران، ارتش ایدئولوژیک رژیم که احمدی نژاد هم از میان آنان برخاسته است. سپاه پاسداران قدرت خیلی زیادی در بخش های کلیدی اقتصاد ایران داشته، به ویژه برای خود، دارای مناطق و بنادر آزاد می باشد و سودهای کلانی بطور مستقیم وارد جیبهای این مؤسسه می شود. در یک زمینه دیگری هم در حوزه قلم زنی او قرار داشت که در آن سیاستهای اجتماعی - اقتصادی دولت احمدی نژاد با نوعی پوپولیسم و عوام فریبی مشهوری به همراه است و توزیع مستقیم پول در میان مردم، به ویژه در هنگام سفرهایش به استان ها از آن جمله است تا در رسانه ها برایش تبلیغ شود. با این وجود همه این کارهای رئیس جمهور با یک سیاست ماورای لیبرالیسم و حذف یارانه های بخشی از کالاهای اولیه ما یحتاج زندگی صورت می گیرد. درمان ضربه ای (شوک درمانی) که موجب ستایش و شادباش گویی صندوق بین المللی پول شده است.

در این چنین وضعیتی بود که بهمن احمدی امویی، از مدیریت دولت احمدی نژاد در باره درآمدهای نفتی در حال افزایش در شرایط اقتصادی کنونی، انتقاد می کرد.

این روزنامه نگار، همچنین تلنگری سیاسی به مقالات اقتصادی خود میزند و به ویژه به موضوع حجاب اجباری زنان پرداخته و می نویسد که در این زمینه، تناقضی بین اجباری بودن آن و وابستگی به واردات پارچه های کره ای و ژاپنی وجود دارد.

" کشوری که حجاب را از سال ۱۹۸۰ بر زنان تحمیل کرده است، هنوز یک کارخانه نساجی برای تولید آن نساخته است. با توجه به خودکفایی اقتصادی ما، این کار زیر علامت سؤال است "، او این موضوع را در روزنامه اقتصادی سرمایه در دسامبر ۲۰۰۷ نوشت.

مجازات بدنی و عشق

مسأله قانونی بودن مجازات بدنی در ایران نیز از جمله موضوعات اجتماعی دیگری است که بهمن احمدی امویی به آن می پرداخت. این روزنامه نگار که بعدها، خود به تنبیه بدنی، تحمل سی و چهار ضربه شلاق، محکوم شد، دقیقاً چندین سال پیش از آن، یک مقاله بسیار تند و گویایی در باره زشتی این کار و در مذمت اجرای این عمل در ملاء عام در ایران، نوشته بود. او با ظرافت خاص و ماهرانه ای، این عمل را نوعی بربریت توصیف کرد و نوشت که تحمیل درد و رنج توسط انسانی به انسان دیگر در برابر دیدگان همگانی و در مراکز شهرهای بزرگی

مانند تهران غیر قابل توصیف و توجیه است. [۱] با وجود اینکه این گزارش نتوانست در مطبوعات ایران منتشر شود، بار دیگر گزارشی را که همسرش، ژیلای بنی یعقوب که او هم روزنامه نگار است، در سال ۲۰۰۱ نوشته بود و در بیرون از ایران پخش شده بود، بر سر زبانها آورد و یادآوری کرد. [۲]

بهمن احمدی امویی، علاوه بر اینکه نسبت به روزنامه نگاران دیگر و تلاشگران حقوق بشر زندانی در موقعیت نابسامان و دشوارتری است، همچنین به خاطر این که شوهر روزنامه نگاری به نام ژیلای بنی یعقوب که یکی از برجسته ترین روزنامه نگاران جوان و مبارز آزادی زنان، در عصر طلایی مطبوعات ایران، به ویژه در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی (۱۹۹۷ - ۲۰۰۵) است، در وضعیت به مراتب بدتری قرار دارد.

بدین ترتیب ژیلای بنی یعقوب به دلیل مستقل و آزاد بودن، داشتن جسارت و به خاطر کیفیت بالای گزارش هایش در باره جامعه ایران و همچنین برای چاپ سفرنامه هایش از افغانستان، لبنان و عراق به یکی از معروف ترین روزنامه نگار در مطبوعات ایران تبدیل شد.

ژیلای بنی یعقوب، برنده چندین جایزه، از جمله " شجاعت در روزنامه نگاری" جایزه اعطایی بنیاد رسانه بین المللی زنان در سال ۲۰۰۹ است. او در همان سال به همراه همسرش دستگیر شد. او که پس از دو ماه زندانی آزاد شد، به یک محکومیت بی سابقه، سی سال ممنوعیت از فعالیت شغل روزنامه نگاری محکوم شد.

این خبرنگار که در سال ۲۰۰۴ یک کتاب بنام « خبرنگاران »، در مورد تجربه خود به عنوان یک روزنامه نگار زن در ایران چاپ کرده بود، در سال ۲۰۱۱، یک کتاب دیگرش بنام «خاطرات زندان» که مربوط به پیش از دستگیری او در سال ۲۰۰۹ است، توسط یک انتشارات ایرانی مستقر در سوئد (انتشاراتی باران - مترجم) منتشر شد.

او علیرغم ممنوعیت از شغل روزنامه نگاری، از طریق وبلاگ خود و یا به کمک فیس بوک قلم میزند و تلاش می کند تا خواهان آزادی شوهرش و همچنین سایر زندانیان سیاسی و عقیدتی باشد.

بهمن احمدی امویی و ژیلای بنی یعقوب زن و شوهری هستند که با شور و شوق تمام، به روزنامه نگاری می پردازند و تمام خطرات ناشی از آن را به جان می خرند.

در طی چند نامه ای که بهمین موفق شد تا به طور غیر قانونی برای همسرش از زندان به بیرون بفرستد، در کمال سادگی و با صداقت و فروتنی زیاد، به خوبی عشق و علاقه خود را نسبت به همسرش بیان می کند.

با این وجود، امروزه کشورهای که در آن اخلاقیات سنتی دینی به افرادی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم درگیر مسائل اجتماعی و سیاسی هستند و اجازه بیان احساسات نمی دهد، روز بروز نادر و کمتر می شوند.

بدین ترتیب بود که بسیاری از زنان زندانیان سیاسی مشهور یا گمنام که از فردای انتخابات بحث برانگیز احمدی نژاد در سال ۲۰۰۹ بازداشت شدند، نامه های عاشقانه ای را به همسران خود نوشته و آن ها را در رسانه های همگانی پخش کردند. این امر به ویژه در مورد همسر محمد تاج زاده، عضو دفتر سیاسی حزب مشارکت اسلامی که از چپ های اسلامی است، نیز صادق می باشد. او نامه ای پر از شعرهای عاشقانه را برای شوهرش نوشت و احساسات خود نسبت به شوهرش را رسانه ای کرد.

بهزاد نبوی، وزیر صنایع در دهه ۱۹۸۰ و یکی از ایدئولوگ های جمهوری اسلامی، گفت: او زمانی که همسر خود را در حال فریاد کشیدن در حمایت از شوهرش در طول محاکمه اش در ژوئن ۲۰۰۹ دید، بشدت شگفت زده شد. نبوی در آن روز به شش سال زندان محکوم شد.

میر حسین موسوی که نامزد اصلی اصلاح طلبی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۹ بود و از ماه فوریه سال ۲۰۱۱ در خانه خود زندانی است، دست همسرش، زهرا رهنورد را در انظار عمومی در دست گرفت. بیان احساسات درونی در این افراد از این جهت بیشتر قابل توجه است که آنها اغلب از جریانات اسلامی هستند که معمولا در این زمینه ها خود را تقدیس می کنند.

اما درباره بهمن احمدی عمویی باید گفت که او پس از حدود سه سال در زندان اوین ماندن، در ماه ژوئن امسال، بطور شبانه و توام با خشونت و بد رفتاری، به یک سلول انفرادی در زندان رجایی شهر، واقع در شصت کیلومتری تهران منتقل شد. زندانی که اغلب در آن زندانیان محکوم به اعدام و یا محکومین به مجازات های سنگین کیفری به سر می برند.

در واقع با تبعید او از زندان اوین به زندان رجایی شهر می خواستند او را به خاطر اینکه در داخل زندان اوین، در یک مراسم بزرگداشت یک زندانی دیگر بنام هدی صابر، روزنامه نگار و فعال سیاسی که یک سال پیش از این بطور مشکوکی جان خود را در زندان اوین از دست داد، شرکت کرده بود، تنبیه کنند.

بالاخره او از زندان انفرادی در رجایی شهر به زندان عمومی در آنجا فرستاده شد، اما شامل بخشودگی ولی فقیه نشد. اگر چه بهمن احمدی

امویی موفق شد چند نامه را از زندان به بیرون بفرستد، اما این کار به قیمت محرومیت او از ملاقات حضوری با همسر و مادر پیرش شد.

او در آخرین نامه خود در اواخر ماه اوت نوشت: « هنگامی که وضعیت خودش را با دیگر زندانیان، به ویژه کردهایی که سال هاست در این زندان کپک زده و می پوسند، مقایسه می کند، دیگر جرأت نمی کند لب به شگوه بگشاید. به نظر می رسد که حتی خدا هم آنان را فراموش کرده است. از خود می پرسد که آیا هنوز اداره زندان ها نام این افراد را در لابلاهای پرونده های خود دارد؟ »

در زمان نوشتن این سطور، ژیلای بنی یعقوب همسر بهمن احمدی امویی که همچنان زیر حکم یک سال زندان به سر می برد، به دادگاه احضار شده است.

(در زمان ترجمه این سطور، خانم ژیلای بنی یعقوب در زندان اوین زندانی شد. مترجم)

۲۹ اوت ۲۰۱۲

* این متن برگرفته از کتاب « زندان اوین » است. <http://amouee.net/spip.php?article336>

[۱] « پس از شلاق، پراکنده شوید »، منتشره در وبلاگ خود و بعد از آن به زبان انگلیسی ترجمه شده:

<http://amouee.net/spip.php?article336>

[۲] منتشر شده در خارج از ایران در سایت ایرانی گویا، این مقاله به زبان فرانسه در ماه اوت سال ۲۰۰۲ در کوریر انترناسیونال فوق العاده تحت عنوان "نه به مجازات بدنی!" منتشر شد.

[۳] زنان در بند ۲۰۹ زندان اوین، انتشاراتی باران، استکهلم، ۲۰۱۱.